



A Comparative Study of Artificial Reproductive Rights in Iran and the United Kingdom

Sirus Nazari¹ , Ali Reza Mazloun Rahni^{2*} , Vahid Nekounam³

1. Department of Private Law, Faculty of Law, United Arab Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Department of Law, Faculty of Humanities, Quds City Branch, Islamic Azad University, Quds City, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Law, Qom Branch, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Artificial insemination as one of the new methods in medical science has caused major changes in childbearing methods. The present study seeks to investigate artificial reproductive rights in Iran and the United Kingdom.

Method: The present study is a comparative study using documentary and library methods.

Ethical Considerations: The writing of the present article has been done based on the exact principles of citation and the use of valid and relevant Persian and Latin sources.

Results: Acceptance of reproductive rights in jurisprudence and law is based on a jurisprudential attitude and most of the reasons for supporting it are adapting the changes of time to the evolution of the family institution, supporting population growth and trying to treat infertility problems. In Britain, liberal beliefs and welfare are the basis for all people, even children born of artificial insemination.

Conclusion: The UK legal system is a leading system in providing the highest benefits to a child born of fertility and custody, but taking on guardians by homosexuals, as well as commercializing artificial insemination, are disadvantages. In Iran, too, taking care of single people over the age of 30 can be a challenge for marriage.

Keywords: Reproductive Rights; Artificial Fertility; Iran; United Kingdom

Corresponding Author: Ali Reza Mazloun Rahni; **Email:** Dr.mazloom14@yahoo.com

Received: February 20, 2022; **Accepted:** June 22, 2022; **Published Online:** October 10, 2022

Please cite this article as:

Nazari S, Mazloun Rahni AR, Nekounam V. A Comparative Study of Artificial Reproductive Rights in Iran and the United Kingdom. *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e47.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مطالعه تطبیقی حقوق باروری مصنوعی در ایران و انگلستان

سیروس نظری^۱، علیرضا مظلوم رهنی^{۲*}، وحید نکونام^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران.

۳. گروه فقه و حقوق، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: باروری مصنوعی به عنوان یکی از روش‌های نوین در علم پزشکی، تغییرات عمده‌ای در شیوه‌های فرزندآوری به وجود آورده است. پژوهش حاضر درصدد است تا حقوق باروری مصنوعی در ایران و انگلستان را بررسی نماید.

روش: مطالعه حاضر به شیوه تطبیقی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: نگارش مقاله حاضر با مبنای قرارداد اصول دقیق ارجاع‌دهی و استفاده از منابع فارسی و لاتین معتبر و مرتبط با بحث انجام شده است.

یافته‌ها: پذیرش حقوق باروری در فقه و حقوق بر مبنای نگرشی حکمی است و بیشتر دلایل حمایت از آن، مطابقت‌دادن تغییرات زمانه با تحول نهاد خانواده، حمایت از افزایش جمعیت و تلاش برای درمان مشکلات ناباروری است. در انگلیس، باورهای لیبرالی و تأمین رفاه برای همه افراد حتی کودکان متولدشده از باروری مصنوعی مبنای قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: نظام حقوقی باروری مصنوعی انگلستان در زمینه تأمین منافع عالی کودکان، نظامی پیشرو است، اما بر عهده‌گرفتن سرپرستان از سوی همجنس‌بازان، تجاری‌شدن بحث باروری مصنوعی از معایب آن هستند. در ایران نیز بر عهده‌گرفتن سرپرستی از سوی زنان مجرد بالای سی سال می‌تواند چالشی برای ازدواج و فرزندآوری محسوب شود.

واژگان کلیدی: حقوق باروری؛ باروری مصنوعی؛ ایران؛ انگلستان

نویسنده مسئول: علیرضا مظلوم رهنی؛ پست الکترونیک: Dr.mazloom14@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Nazari S, Mazloum Rahni AR, Nekounam V. A Comparative Study of Artificial Reproductive Rights in Iran and the United Kingdom. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e47.

مقدمه

باروری مصنوعی دارای وجهی دوگانه است، بدین معنا که در کشورهای مختلف با پیشرفت ابزارها و علوم پزشکی و مخصوصاً علوم ناباروری، روش‌های متعددی برای استفاده از آن مطرح شده است، اما از سوی دیگر، همین موضوع تهدید و یا چالشی برای برخی از نظام‌های حقوقی، نهادها و ارگان‌های دولتی و مذهبی پدید آورده است. این موضوع به طور مشخص درباره دو کشور ایران و انگلستان نیز مصداق پیدا می‌کند، زیرا در هر دو کشور قوانینی صریح و یا ضمنی وجود دارند که هر یک به انحای مختلفی به بحث باروری مصنوعی و مسائل مربوط به آن توجه نشان دادند. به لحاظ مصداقی، در ایران معاصر، قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ یکی از قوانین مهمی بود که براساس آن تا قبل از انقلاب، شرایط و نحوه مسائل مرتبط با فرزندخواندگی، حقوق باروری و... را پوشش می‌داد، اما پس از انقلاب، قوانین به طور کامل تغییر یافت و قوانین اسلامی جای قوانین گذشته را گرفتند. یکی از مهم‌ترین قوانین موجود در این زمینه، قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بدون سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲ شمسی است، ضمن اینکه مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۵ نیز در زمینه موضوعات حقوقی مربوط به باروری مصنوعی نیز مورد استفاده نظام حقوقی ایران قرار می‌گیرد. مهم‌ترین قوانین حقوقی مرتبط با باروری مصنوعی در انگلیس، قانون رحم جایگزین سال ۱۹۸۵ است که در سراسر بریتانیا حکم‌فرما است. علاوه بر این، قوانین دیگری نیز وجود دارد که از جمله می‌توان به قانون کودکان (Children Act) اشاره کرد که در سال ۱۹۸۹، به تصویب رسید، البته در پاره‌ای از مواقع تحت عنوان قانون ۱۹۹۰ نیز شناخته می‌شود. در نهایت قانون باروری و جنین‌شناسی مصوب سال ۲۰۰۸ است که برابر قوانین یادشده به باروری مصنوعی و نحوه تعامل حقوقی افراد حقیقی و حقوقی مرتبط با باروری پرداخته شده است، بدین ترتیب در کنار حقوق عمومی در کشور انگلیس که ناظر بر حقوق عامه مردم و از جمله حقوق کودکان است، می‌توان از قوانین یادشده به عنوان منابع و مراجع اصلی نام برد که

سازوکارها، حقوق سرپرستان و کودکان و همچنین نحوه تقسیم وظایف، موضوعات مربوط به ارث و... را در ارتباط با باروری مصنوعی به ما نشان می‌دهد، اما قانون باروری و جنین‌شناسی انگلستان (۲۰۰۸ م.) از جمله قوانینی است که به عنوان نطقه عطفی در این زمینه به شمار می‌رود.

نگرش‌های حقوقی، هرچند به عنوان قواعدی عام و فراگیر و حتی الزام‌آور برای جوامع ایران و انگلیس در زمینه باروری مصنوعی شناخته می‌شوند، اما همواره درباره مسأله باروری مصنوعی، مخالفت‌ها و موافقت‌هایی وجود داشته است. این رویکردها قبل از هر چیز، باروری مصنوعی را به مثابه تهدید و یا فرصتی در نظر می‌گرفتند که یا می‌تواند کمک به افرادی باشد که به دلایل مختلفی قادر به فرزندآوری نیستند و یا اینکه تهدیدی برای بنیان خانواده سنتی و معیارهای اخلاقی است. به همین دلیل، صف‌آرایی موافقان و مخالفان باروری مصنوعی یکی از موضوعات مهم در دو کشور محسوب می‌شود. برای بررسی دیدگاه‌های حقوقی نسبت به موضوع باروری مصنوعی نیازمند بررسی متون و واکاوی آنان هستیم تا هم انتقادی نسبت به قوانین موجود صورت گیرد و هم راهکاری برای بهبود شرایط آینده ارائه شود.

با عنایت به اهمیت باروری مصنوعی و توجه به موضوع حقوق باروری، باید‌ها و نبایدها و همچنین دیدگاه‌های مخالفان و موافقان درباره آن، محور پژوهش حاضر با مطالعه نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان است. از این جهت، پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ای برای بهبود و کارآیی باروری مصنوعی در جهان و به طور خاص درباره جامعه ایران تلقی شود.

روش

در مقاله حاضر که از نوع نظری است، روش استفاده‌شده توصیفی - تحلیلی است. ابتدا مطالب از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس به صورت تطبیقی، تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها

در ارتباط با آثار پذیرش فرزند از راه‌های غیر طبیعی در حقوق انگلیس با توجه به قاعده ثابت و تغییرناپذیر ارث، توارث کودک و خانواده واقعی او قطع و در خانواده جدید جایگزین می‌گردد، بدین ترتیب توارث میان پذیرندگان و فرزندخوانده برقرار است. بنابراین تنها در حقوق انگلیس این مسأله مطرح است که فرزند از یک خانواده به خانواده و یا از فردی به فردی دیگر منتقل شده است و حقوق فردی و اجتماعی وی همچنان محفوظ است. درباره مسأله ارث و حقوق اقتصادی فرزندان که از راه‌های غیر طبیعی به دنیا می‌آیند، در قوانین ایران نیز راه‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است، از جمله تأکید قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، بر اخذ تضمینات مالی، مسلماً با هدف حفظ منافع کودک صورت گرفته است، اما اختصاص مواد متعدد به مسأله وضعیت مالی و تأمین اقتصادی کودک، دید مادی و اولویت آن بر نیازهای معنوی را تشدید می‌کند، اما باید دانست که در جای جای قانون جدید نیز لزوم تأمین نیاز معنوی کودک آشکارا به چشم می‌خورد و تدوین آن را باید گامی در راستای نزدیک‌ساختن نهاد سرپرستی به خانواده دانست. تجاری‌شدن باروری مصنوعی، قانون ابوت پدری و محروم‌ماندن زنان از حق انتخاب فرزند بدون انتساب و وراثت با کودک متولدشده از باروری مصنوعی مهم‌ترین ضعف نظام حقوق باروری در انگلستان است.

بحث

پیشرفت‌های دهه‌های اخیر، امکان امید به بهبود بسیاری از بیماران را ایجاد کرده است. یکی از این بیماری‌ها، ناباروری مردان و زنان است که استفاده از روش‌های تلقیح مصنوعی در پاسخ به همین مشکل نیز شکل گرفته و از آن استفاده می‌شود، هرچند تلقیح مصنوعی و استفاده از روش‌های مختلف برای حل این مسأله دلایل متعدد دیگری نیز دارد، اما آنچه روشن است اینکه تلقیح مصنوعی بخشی از همین تکنولوژی‌های پیشرفته در علم پزشکی است که امروزه مورد استفاده قرار

می‌گیرد. در این روش، اسپرم و تخمک گرفته‌شده از زن و مرد در محیط آزمایشگاه با هم تلقیح می‌شوند و سپس در مرحله چهارم سلولی یا هشت سلولی به داخل رحم منتقل می‌شوند و پس از آن حیات جنینی آغاز می‌شود (۱). به همین دلیل است که در کشورهای مختلف برای پرداختن به این مسأله از اصطلاحاتی نظیر جنین‌شناسی، حیات جنینی و باروری مصنوعی یاد می‌شود. این شیوه در واقع شیوه‌ای درمانی و در حیطه علوم پزشکی است، اما به دلیل آثار و پیامدهای حقوقی آن و همچنین دارا بودن پشتوانه حقوقی، ارتباط همه‌جانبه‌ای میان اخلاق پزشکی و حقوق ایجاد می‌نماید.

باروری مصنوعی در واقع هم شیوه‌ای برای درمان مشکلات ناشی از عدم باروری در میان زنان و مردان است و هم اینکه روشی برای بهره‌مندی افراد جامعه و آن دسته از کسانی است که به دلایل متعددی خواهان فرزند هستند، اما شرایط لازم برای باروری طبیعی را ندارند. در صورتی که نارسایی‌های جسمی و بدنی برای انجام باروری وجود داشته باشد، روش درمانی به کار گرفته می‌شود که در آن، از اسپرم بیگانه یا تخمک بیگانه و یا جنین اهدایی و یا در نهایت از رحم زن دیگر (مادر جانشین یا رحم اجاره‌ای) استفاده می‌شود. در اصطلاح پزشکی از این روش با عنوان تلقیح مصنوعی یاد می‌شود که در واقع بهره‌گیری از اسپرم بیگانه یا غیر زوج است (۲). در کنار این روش‌ها، روش‌های دیگری نیز وجود دارند که بسته به اینکه مردان و یا زنان درصدد بهره‌گیری از آنان هستند، از منظر حقوقی خاصی قابل بررسی هستند. این تفاوت‌ها در نحوه سرپرستی و بر عهده‌گرفتن فرزند متولدشده، تعامل و قراردادی که میان طرفین انجام می‌شود، در نظرگرفتن شرایط سرپرستی کودک متولدشده از حیث مسائل مالی و حقوقی و... خود را نشان می‌دهد.

۱. موافقان و مخالفان باروری مصنوعی در ایران: با این اوصاف، پذیرش حقوق برای کودکانی که از راه‌های غیر طبیعی به دنیا می‌آیند، مستلزم پذیرش این روش و سپس تعیین حقوق برای این افراد است. بنابراین در صورتی که اصل موضوع و مشروعیت آن مورد قبول واقع شود، آثار حقوقی آن

حمایت از برنامه‌های نوین نظیر باروری مصنوعی نقش مهمی در افزایش جمعیت و تداوم نسل ایفا می‌کند. بدین ترتیب روشن است که کاهش جمعیت سبب می‌شود که در یک مقطع زمانی جمعیت رو به پیری بگذارد و باعث بی‌نشاطی در جامعه و پیرشدن نسل و نبود نیروی جوان که از افراد پیر نگهداری کنند. همچنین وجود افراد پیر در جامعه باعث بالارفتن هزینه‌های درمان در جامعه می‌شود. با این اوصاف برخی از فقها نیز با در نظر گرفتن ملاحظات پزشکی و شرعی به جواز باروری مصنوعی حکم داده‌اند، از جمله برخی مانند آیت‌ا... خامنه‌ای، آیت‌ا... سیدمحمد موسوی بجنوردی این عمل را جایز می‌دانند. آن‌ها معتقدند این کار زنا محسوب نشده و از عناوین محرمه هم که در شرع حرام شده باشد، نیست، لذا بر اساس قاعده و اصل اصاله‌الاباحه جایز است یا آیت‌ا... خامنه‌ای معتقد است: چنین رویکردهایی قابل پذیرش است، ولی از مقدمات حرام باید اجتناب نمود (۵).

۳. مخالفان باروری مصنوعی در ایران: مخالفان باروری مصنوعی در ایران نیز بر مبنای نگرش فقهی و همچنین دیدگاه‌های مخالف از سوی برخی حقوقدانان، باروری مصنوعی و به تبع آن، حقوق مرتبط با آن را با دیده مخالفت و یا تردید می‌نگرند. مخالفان و منتقدان این رویه، برای بیان دیدگاه‌های خود به آیات و روایات استناد می‌کنند. به عنوان مثال، در بحث اجاره رحم و یا بهره‌گیری از اسپرم برای باروری در افرادی غیر از همسر واقعی فرد، نظریاتی مطرح شده است. بدین معنا رویکرد حقوق اسلامی که برگرفته از آموزه‌های دینی است، بر جنبه‌های مذهبی مسأله اجاره رحم و یا حتی تزریق اسپرم تأکید می‌کنند، همچنانکه ملاحظات مربوط به اجاره رحم نیز نشأت گرفته از آیات و روایات است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «حد زنا از حد شرب خمر بیشتر است چون در آن مرد نطفه را تباه کرده و آن را در جایی جز آنجا که خداوند مقرر کرده، نهاده است» (۵). بنابراین استفاده از نطفه مرد در جای دیگری به جز همسر واقعی و قانونی، قابل پذیرش نیست.

نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. باروری مصنوعی در ایران، طیفی از موافقان و مخالفان را به همراه داشته است که از منظری حقوقی و فقهی به این مسأله توجه نشان دادند.

۲. موافقان باروری مصنوعی در ایران: موافقان باروری مصنوعی در حقوق ایران غالباً تحت تأثیر آموزه‌های فقهی، دلایل متعددی در حمایت از آن بیان می‌کنند، از جمله مهم‌ترین دلایل، تسلط انسان بر نفس خود و مختاربودن وی در این زمینه است؛ دوم اینکه، باروری مصنوعی کمک به افرادی است که به دلایل متعددی نمی‌توانند صاحب فرزند شوند؛ دلیل سوم نیز در جهت حمایت از افزایش جمعیت در جامعه اسلامی مطرح می‌شود. درباره حمایت از باروری مصنوعی و کمک به افزایش جمعیت استدلال می‌شود ملتی که به علت سیاست کنترل جمعیت، جمعیتش رو به زوال باشند، همیشه در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌گیرد و اگر حیثاً بیماری واگیر، شیوع پیدا کند و یا جنگ بزرگی آغاز شود، حتماً چنین ملتی دچار کمبود نیروی انسانی خواهد شد (۳). در این صورت، کاهش جمعیت می‌تواند آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی متعددی در پی داشته باشد. بنابراین بهره‌گیری از شیوه‌های باروری مصنوعی می‌تواند خلأهای ناشی از کنترل جمعیت و کاهش آن را جبران نماید.

همچنین استدلال می‌شود که هدف از ازدواج، بقای نسل است، لذا خداوند، بشر را نیز زوج آفریده و هدف از ازدواج آنان را بقای نسل قرارداده است. اگر انسان ازدواج کند، ولی بچه‌دار نشود، تداوم نسل از بین خواهد رفت و رفته‌رفته نسل بشر منقرض می‌شود، لذا بشریت وظیفه دارد برای بقای نسل خود بچه‌دار شود تا نسل بشر از بین نرود. علاوه بر این، نام و آوازه انسان توسط بچه حفظ می‌شود و کسی که بچه ندارد، بعد از مرگش از نام و آوازه می‌افتد. در بسیاری از خانواده‌ها دیده شده که به یک فرزند بسنده می‌کنند و فرهنگ تک‌فرزندی رواج پیدا کرده است. از این منظر، همه وظیفه دارند جلوی انقراض نسل بشر را بگیرند و به بقای نسل بشر کمک کنند. با تربیت فرزندان قوی و با تربیت به شکوه جامعه اسلامی کمک کنند و موجب مباهات پیغمبر شوند (۳). در این صورت

کلی پذیرش فرزند از راه‌های غیر طبیعی را استنباط نموده‌اند که این رویکرد حقوقی - پزشکی در تقابل با دیدگاه اسلام دانسته شده و عدم پذیرش این روش‌های نوین پزشکی و باروری مورد تأکید قرار گرفته است (۱۰). در اسلام نهاد پذیرش فرزند از راه‌های غیر طبیعی حرام و نامعتبر بوده و هیچ اثر حقوقی بر آن مترتب نمی‌شود.

۴. موافقان و مخالفان باروری مصنوعی در انگلیس:

مخالفت‌ها و موافقت‌ها در انگلیس بر سر مسأله باروری نیز محل بحث و اختلافات کارشناسان حقوقی و محافظه‌گرایان مذهبی نیز بوده است. به لحاظ تاریخی، تحولاتی که در انگلیس رخ داده است، ناظر بر چالش‌های حقوقی - پزشکی است که از زمان شروع این قوانین تا امروزه محل بحث و تبادل نظر کارشناسان مرتبط بوده است، از جمله اینکه شواهد تاریخی گویای آن است که کمیته تحقیق در مورد باروری انسان و جنین‌شناسی به ریاست وارنوک در سال ۱۹۸۲، شروع به کار کرد و به دنبال آن در سال ۱۹۸۴، یعنی دو سال بعد فعالیت‌ها و گزارش‌هایی در این زمینه تنظیم شد. نگرانی عمومی مربوط به این کار ناشی از نوعی نگرش اخلاقی و آثار اخلاقی‌ای است که باروری مصنوعی به دنبال دارد. با این حال تحولات سریع مربوط به این کار و فعالیت‌های لقاح و جنین‌شناسی عبارت بودند از: در نظر گرفتن تحولات اخیر مربوط به علم پزشکی و مرتبط با لقاح و جنین‌شناسی انسان، در نظر گرفتن سیاست‌ها و ضمانت اجراهای مربوط به این اعمال و فعالیت‌ها و همچنین در نظر گرفتن پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و حقوقی این تحولات (۱۱). با در نظر گرفتن شرایط ذکر شده و پیشرفت‌های ناشی از علم پزشکی، مسأله اهدای جنین، استفاده از رحم جایگزین و همچنین سازگاری اصول حقوقی با این تحولات، استفاده از روش‌های مذکور، به یکی از رویه‌های مرسوم در کشور انگلیس تبدیل شد. این پذیرش مخصوصاً با ورود سازمان‌های غیر دولتی و مدافع حقوق زن و همچنین دگرگونی‌های ناشی از قوانین پیشین سرعت بیشتری به خود گرفته بود.

برای مخالفت با باروری مصنوعی، به روایتی از امام صادق (ع) نیز استناد می‌شود که می‌فرمایند: «گروهی نزد امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن (ع) رسیدند و از زنی گفتند که پس از نزدیکی با شوهرش، با کنیز خود مساحقه می‌کند و این کنیز باردار شده است و حکم آن را خواستار شدند. به درخواست امیرالمؤمنین (ع)، امام حسن (ع) پاسخ دادند: آن زن باید رجم شود، چون همسر داشته و مساحقه کرده است و خرجی و هزینه‌های زمان بارداری کنیز را بپردازد. دیه ازاله بکارت را بپردازد، چون این زن زایمان خواهد کرد. پس از اینکه کنیز زایمان کرد بر او نیز باید حد مساحقه اجرا شود، ولی رجم نشود و کودک متعلق به آن مرد است» (۵). استدلال شده است که این روایت بر بارداری غیر معمول برای زن دوم اشاره دارد و می‌تواند دلیلی بر تحریم اجاره رحم باشد (۶)، اما دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود دارد که باروری مصنوعی را از جهت زن و شوهر بیگانه جایز نمی‌دانند. از نظر این دسته، تلقیح میان زن و مرد بیگانه به سبب دخالت عامل بیگانه در انعقاد نطفه، مورد بحث و اشکال جدی است و علاوه بر فقه اسلامی، در تمام ادیان و نظام‌های حقوقی درباره جواز آن اختلاف نظر اساسی وجود دارد (۷). آیات قرآن روابط جنسی را در صورت رعایت شرایط عقد و انجام ازدواج قبول می‌کنند و فقها نیز با استناد به همین موارد، نسبت به پذیرش شیوه‌های باروری مصنوعی مخالفت می‌ورزند.

با این حال در مقام استنباط حکم شرعی پذیرش فرزند از راه‌های غیر طبیعی، به کتاب اکتفا و دلالت آن واضح دانسته شده و در نتیجه نوبت به سایر ادله نرسیده است، به گونه‌ای که از نظر برخی از محققان، عدم مشروعیت پذیرش فرزند از راه‌های باروری مصنوعی در اسلام، همواره امری مسلم و یا مسجل بوده و جز اختصاص چند سطر و ذکر چند آیه و یا حتی یک جمله، نیازی به مطرح ساختن آن در کتب حقوقی احساس نشده است (۸). راغب اصفهانی نیز در خصوص آیه ۴۰ سوره احزاب معتقد است این آیه نفی ولادت است و بیانگر این مطلب می‌باشد که فرزندخوانده در جای فرزند واقعی انسان قرار نمی‌گیرد (۹). بر این اساس، فقها از این آیات، حکم

مورد نظر که می‌توانند یک نفر باشند و اینکه فرزند را به خدمت بگیرند. همچنین ممکن است متقاضیان کسانی باشند که نسبت ژنتیکی با فرزند داشته باشند یا چنین نسبتی در میان نباشد. حالت دیگر آن است که مادر حامل ممکن است ناشناس باشد که فقط پذیرنده اسپرم پدر ژنتیکی باشد و یا اینکه از تخمک زن پذیرنده (حامل) برای باروری مصنوعی استفاده شود (۱۱)، بدین ترتیب قانون، همه حالات مختلف و آشکالی که ممکن است قبل از انجام عمل باروری مصنوعی صورت بگیرد، بیان می‌کند. قانون باروری و جنین‌شناسی در واقع شکل اصلاح‌شده و به روزشده قانونی است که در سال ۱۹۹۰ تصویب شده بود و مجموعه‌ای از سازوکارهای مدون برای نظارت بر وضعیت جنین را مشخص می‌نمود.

در حقوق این کشور سابقه استفاده ابزاری از فرزندخواندگی را می‌توان مشاهده نمود؛ فرزندخواندگی گاهی به عنوان راه حل مشکلات اطفال نامشروع، گاهی برای رهایی از کودکان ناخواسته و گاهی دیگر به عنوان خدمتی در اختیار افراد نازا مورد استفاده قرار گرفته است (۱۳) که امروزه در بحث باروری مصنوعی به عنوان یکی از پشتوانه‌های حمایت از این موضوع به آن استناد می‌گردد. در هر صورت، نیازمند رعایت اصول لازم سرپرستی برای تحویل‌گرفتن، مراقبت و نگهداری از کودک است. رکن دیگری که در مسأله سرپرستی در انگلیس دیده می‌شود، صراحت قانون لازم در این زمینه است، بدین ترتیب در این کشور نوعی محرومیت قانونی نسبت به هویت فرزندخوانده وجود دارد که کتمان و عدم ارائه اطلاعات خانوادگی به فرزندخوانده را مجاز می‌دارد (۱۴).

۴-۲. مخالفان باروری مصنوعی در انگلیس: عدم پذیرش روش رحم جایگزین هم تحت تأثیر مخالفت‌های است که از دیدگاه مذهبی بیان می‌شود و هم ناشی از رویکردهای اخلاقی و عرفی است. همچنان که گفته می‌شود دلیل عدم پذیرش رحم جایگزین در برخی کشورهای غربی ملاحظات اخلاقی و روان‌شناختی و برخی ملاحظات مذهبی است. ملاحظات اخلاقی و روان‌شناختی بیشتر متمرکز بر نوزاد و زنی است که از رحم او استفاده می‌شود. مثلاً گفته شده است زنی که جنین

۴-۱. موافقان باروری مصنوعی در انگلیس: قانون رحم جایگزین در انگلیس، هرچند از ابتدا موافقان و مخالفانی نیز داشته است، اما توسط قانون رحم جایگزین مصوب ۱۹۸۵ (Surrogacy Act) مورد حمایت قرار گرفته است. در این قانون بر این مسأله تأکید شده است که زنی که فرزند را حمل می‌کند (حامل جنین) باید تحت پوشش خدمات (بخش ۲) قرار گیرد، زیرا از زمان تلقیح جنین، حمل و شروع آن، مراقبت از لقاح اسپرم و تخمک و همچنین اموری که منجر به حمل کودک می‌شوند، نیازمند خدمات است. بدین ترتیب در حقوق داخلی انگلیس رویکردی متعادل درباره رحم جایگزین مطرح شده است که هم بتواند مانع انجام اعمال خلاف قانون در این‌باره شوند و هم راهکاری حقوقی برای حل این مسأله پیدا نمایند. بر همین اساس، قانونگذار چنین مطرح کرده است که انعقاد قرارداد رحم جایگزین در حقوق انگلیس جایز است، اما این توافق لزوماً قابل اجرا نیست. بدین معنا که اگر مادر جایگزین تصمیم خود را تغییر دهد و و پس از ولادت طفل خواهان آن باشد که طفل را نزد خود نگه دارد یا اینکه اگر زوج خواهان طفل که هزینه‌ای بابت اجاره رحم در نظر گرفته‌اند، از پرداخت هزینه سر باز زنند، برای هیچ یک از طرفین الزام قانونی و پیگیری حقوقی در بر ندارد. با این حال غالباً قراردادهای رحم جایگزین چندان با این مشکل رو به رو نمی‌شوند و طرفین به تعهدات خود پایبند هستند (۱۲)، در صورتی که افراد به تعهدات خود در قبال پرداخت هزینه برای اجاره رحم و یا تحویل فرزند اقدام نکنند، قانون دو راهکار را در پیش گرفته است: اول اینکه تصمیم افراد در زمینه قرارداد طرفین را می‌پذیرد؛ یا اینکه در حالت دوم، برای رسیدگی به دادگاه ارجاع داده می‌شوند.

در قوانین انگلیس باروری مصنوعی به صورت مختلف مورد توجه قرار گرفته است و یکی از نشانه‌های تفاوت آن با قوانین برخی از کشورها، از جمله ایران آن است که به طور مشخص در قانون مصوب ۲۰۰۸، به این موضوع پرداخته شده است که در نوع خود یک رویکرد ممتاز حقوقی محسوب می‌شود. در این‌باره در قوانین مختلف انگلیس بیان شده است که زوج

دلیل دیگری که از سوی مخالفان در انگلیس مطرح شده است، مربوط به قوانین سال ۲۰۰۸ است. به باور مخالفان، محوریت قانون جدید استقلال و آزادی فردی است و بر روی حذف نقش پدر متمرکز است. به عبارتی در این قانون، «نیاز به پدر» چندان محل توجه نبوده است. از نظر آنان، حذف پدر می‌تواند اصل نهاد خانواده را هدف قرار دهد و نقش پدر را در جامعه و سرپرستی از کودک بی‌اهمیت کند. از نظر مخالفان، دستیابی به منافع عالی‌ه کودک بدون نقش‌آفرینی پدر میسر نیست و میخ دیگری بر تابوت خانواده سنتی است و یک ننگ اخلاقی محسوب می‌شود (۱۶). بنابراین قوانین جدید با تغییر نقش سرپرستی، نقش چندان برای پدر در نظر نمی‌گرفت و از این رو حذف و یا کم‌رنگ کردن نقش پدر در قوانین جدید انگلیس مشهود است.

۵. مقایسه حقوق باروری مصنوعی در ایران و انگلیس:

قوانین مرتبط با باروری مصنوعی در انگلیس، تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. بنابراین از ابتدای مطرح شدن باروری مصنوعی، شبیه‌سازی و همچنین استفاده از روش‌هایی نظیر رحم اجاره‌ای و جایگزین، از نظر حقوقی، عرفی و همچنین رویکردهای مذهبی و حقوق پزشکی، نظرات متعددی در این باره بیان شده است، اما در عرصه تصویب قوانین، در نهایت پارلمان بریتانیا بر سه موضوع عمده تأکید کرده بود: ۱- اجازه استفاده از جنین ترکیبی؛ ۲- اجازه شکل‌گیری خواهر و برادری ناتنی و از روش مصنوعی؛ ۳- لغو قانون نیاز به پدر در امور رفاهی کودک که البته این سه مورد باعث شکل‌گیری انتقاداتی از سوی کلیسای کاتولیک نیز شده بود. با وجود مخالفت‌های کلیسای کاتولیک، اما لابی علمی در این کشور توانست آموزش‌های مرتبط را در این زمینه به عموم مردم اطلاع‌رسانی کند (۱۶)، بدین معنا که آنان با حمایت از باروری مصنوعی، تشریح آثار مثبت آن در جامعه و همچنین آگاهی‌رسانی به مردم که از روش‌های علمی پیشرفته استفاده می‌شود، رویه حقوقی جدیدی را در این کشور بنیان گذاشتند که با عنوان قانون حمایت از باروری نیز قابل طرح است.

را حمل می‌کند با آن رابطه عاطفی برقرار می‌کند و پس از زایمان با تسلیم کودک به زوجین آسیب جدی روحی به او وارد می‌شود. همچنین استدلال شده که این امر به کرامت انسانی جنین لطمه وارد می‌کند و ایجاد کودکان جدید با چنین روش‌های پر دردسری به جای نگهداری از کودکان بی‌سرپرست محل تأمل است (۱۵). بنابراین در روش مزبور، کودکان بی‌سرپرست به عنوان کسانی که نیاز بیشتری به حمایت دارند و به دلایل سهوی سرپرست خود را از دست می‌دهند، در خیابان‌ها رها می‌شوند، اما به جای آنان فرزندان متولد می‌شوند که در صورت انتخاب صحیح، نیازی به زایمان آنان نیست.

انتقاد دیگری که از منظر مذهبی و محافظه‌کاری صورت گرفته است، در ارتباط با «قانون ابوت توافقی» است. بر مبنای قانون سال ۲۰۰۸، یکی از روش‌های برقراری نسب پدری در باروری مصنوعی آن است که در آن، مردی که هیچ‌گونه پیوند زناشویی با زن نداشته است، از قبل با مادر (حامل) توافق می‌کند که به عنوان پدر طفل شناخته می‌شود و حتی بدون اینکه ارتباط زناشویی با زن داشته باشد، مسؤولیت پدری طفل متولدشده را به موجب قانون بپذیرد (۱۳). توضیح اینکه به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ قانون مصوب سال ۲۰۰۸، مرد متقاضی درمان این امکان برایش فراهم است که از طریق قواعد مربوط به ابوت توافقی، اقدام به برقراری نسب پدری نماید. رویکرد مزبور باعث طرح انتقادات زیادی بر علیه نسب فروشی در انگلیس شده است، زیرا به موجب این قانون، تعیین پدر نه از طریق پیوند زناشویی و عاطفی، بلکه به درخواست یک فرد عادی و متقاضی پدر بودن شکل می‌گیرد. این قاعده که یکی از لیبرال‌ترین قوانین در زمینه باروری مصنوعی شناخته می‌شود، انتقادات محافظه‌کاران و مذهبی‌ها را نیز برانگیخته و در واقع تجاری‌شدن نهاد خانواده را تشویق می‌کند، ضمن اینکه در مقابل مردان که می‌توانند از این طریق به عنوان پدر شناخته شوند، زنان از چنین حقی برخوردار نیستند و به صورت مستقل نمی‌توانند نسبت به پذیرش فرزند اقدام نمایند.

سال ۱۳۸۳ تصویب و لازم‌الاجرا شده است، اما تا سال ۱۳۸۵ ابلاغ این آیین‌نامه به وزارتخانه‌ها صورت نگرفت تا اینکه در سال ۱۳۸۵ این ابلاغ صورت گرفت و در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۳ شعبه ۲۵۶ دادگاه خانواده تهران نیز طی حکمی به زوجینی که بارور نمی‌شدند، اجازه داد تا با استفاده از تلقیح مصنوعی و مادر جانشین از روش باروری مصنوعی برای فرزندآوری استفاده کنند. با این حال، هم قانون اخیر و هم قانون مربوط به کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به عنوان مبنایی برای تشریح حقوق کودکان متولدشده از باروری مصنوعی، شرایط سرپرست و حقوق متقابل طرفین به کار گرفته می‌شود.

۵-۱. حق سرپرستی: از جمله حقوق اساسی مطرح‌شده برای کودکانی که از راه‌های غیر طبیعی به دنیا می‌آیند، حق سرپرستی است. برای پی‌بردن به این مسأله، نیازمند توجه به قانون فرزندخواندگی نیز هستیم، زیرا در این قانون نحوه سرپرستی، شرایط و معیارها و همچنین صلاحیت سرپرستان به عنوان یکی از حقوق کودکان بسیار مورد توجه است. برابر مواد ۳ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲: «کلیه اتباع ایرانی مقیم ایران می‌توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان مشمول این قانون را با رعایت مقررات مندرج در آن و با حکم دادگاه صالح بر عهده گیرند.» علاوه بر این بیان شده است: «ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند تقاضای سرپرستی خود را از طریق سفارتخانه یا دفاتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران به سازمان [بهبیستی] ارسال نمایند. سفارت خانه‌ها و یا دفاتر یاد شده موظفند در اجرای این قانون، با سازمان همکاری نمایند و سازمان موظف است با حکم دادگاه صالح به درخواست متقاضی رسیدگی نماید.» در همین قانون، افراد مجرد بالای سی سال می‌توانند اقدام به پذیرش فرزند نمایند، از جمله در بند «ج» ماده ۵ که به شرایط سرپرستان اشاره کرده، آمده است: «دختران و زنان بدون شوهر، در صورتی که حداقل سی سال سن داشته باشند، منحصراً حق سرپرستی اناث را خواهند داشت.» نقدی که به این بند وارد است اینکه هدف اساسی از سرپرستی کودک، مصلحت طفل و نوجوانان و تأمین منافع

در قوانین موجود درباره تلقیح مصنوعی در انگلستان، چنین بیان شده است که در صورتی که فرزندان از پدر و مادری متولد شده باشند که حاصل ازدواج رسمی آنان نیست، باز هم مسؤولیت بر عهده والدین گذاشته می‌شود و نمی‌توانند نسبت به سرپرستی کودک شانه خالی کنند. با این حال به دلیل شرایطی که مادر کودک دارد، در این باره در دو ماده بیان شده است: اول، عدم ازدواج رسمی به معنای رهاکردن سرپرستی کودک متولدشده از رابطه دو نفر نیست؛ دوم اینکه، مطابق قوانین و مقررات، در صورتی که کودک و یا فرزندی نصیب این افراد شده باشد، می‌بایست مسؤولیت‌های متعدد پرورش فرزند را نیز بر عهده بگیرد.

ضمن اینکه در قانون جدید از روش‌های غیر طبیعی برای شکل‌گیری جنین دفاع می‌شد و استفاده از جنین‌های ترکیبی یکی از نقاط عطف و جدید آن بوده است. در قانون اصلاح‌شده سال ۲۰۰۸، بر این نکته تأکید شده که فعالیت‌های غیر طبیعی در حیطة ساخت جنین وجود دارند که هرچند غیر قابل تصور، اما مهم هستند. این ذهنیت نیز در قانون جدید ایجاد شد که می‌توان از طریق رحم جایگزین و سایر روش‌های باروری در زنان استفاده کرد و نوعی حاملگی مصنوعی ایجاد نمود (۱۶). نظام حقوقی ایران، هرچند به طور صریح به بحث باروری مصنوعی نپرداخته است، اما با توجه به انتشار دیدگاه‌های متعدد حقوقی، نظریات فقها و نگرش قوانین داخلی، بررسی موضوع باروری مصنوعی با استناد به قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست دنبال می‌شود. درباره بررسی حقوق داخلی نسبت به موضوع باروری مصنوعی و روش‌های مختلف آن، از جمله رحم جایگزین می‌توان چنین بیان کرد که تنها قانون مرتبط با موضوع مورد مطالعه در ایران قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور می‌باشد که پس از طرح مباحث و جدل‌های فقهی و حقوقی متفاوت، بالاخره در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۲۹ مجلس شورای اسلامی آن را در ۵ ماده از تصویب خود گذراند و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت دادگستری تهیه و تدوین گردید. علاوه بر این، هرچند این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن روی هم‌رفته تا پایان

آنان دنبال می‌شد. این رویکرد ناشی از تغییراتی بود که در سال ۲۰۰۸ در قانون حمایت از باروری جدید اعمال شده بود و رویکرد خاصی نسبت به حقوق کودکان شکل گرفت. در این قانون بر مسأله رفاه تأکید چندانی نشد، بلکه آنچه محل توجه بود نقشی بود که بر روی حذف نقش پدر متمرکز می‌شد و «نیاز به پدر» چندان محل توجه نبوده است، حتی در زمینه «حذف پدر» انتقادات زیادی از سوی نهادهای محافظه‌کار انجام شد که از جمله تأکید کردند که چنین رویکرد جدیدی می‌تواند اصل نهاد خانواده را هدف قرار دهد و پدر را بی‌اهمیت کند، ضمن اینکه جایگاه پدر نیز در این رویه به طور اساسی تضعیف می‌شد و مخالفان چنین استدلال می‌کردند که میخ دیگری بر تابوت خانواده سنتی وارد آمده است و از نظر اخلاقی یک ننگ اخلاقی محسوب می‌شود (۱۶). بنابراین قوانین جدید با تغییر نقش سرپرستی، نقش چندانی برای پدر در نظر نمی‌گرفت و از این رو حذف و یا کم‌رنگ کردن نقش پدر در قوانین جدید انگلیس مشهود است.

۵-۲. حقوق اقتصادی کودکان متولدشده از باروری

مصنوعی: حقوق اقتصادی یکی از حقوق مطرح‌شده برای کودکانی است که از روش‌های غیر طبیعی به دنیا می‌آیند، اما این رویه در حقوق داخلی انگلیس از آن جهت قابل توجه است که حقوق اقتصادی نسبتاً برابری با سایر شهروندان برای فرزندان که از راه‌های غیر طبیعی به دنیا می‌آیند، در نظر می‌گیرند. به این دلیل که با مطرح‌شدن قوانین مربوط به جنین و باروری در انگلیس، مسائل مختلفی نظیر رفاه، فرزندان مشترک، جنین‌های مشترک و... به شدت مورد توجه قرار گرفته است (۱۷). در همین دوره زمانی بود که مبحث حقوق شهروندی در انگلیس به شدت برجسته شد که بزرگ شدن این فرزندان نیازمند برقراری حقوق اقتصادی برای آنان بود که بتوانند به طور برابر به زندگی خود ادامه دهند.

در انگلیس، حقوق کودکانی که از راه‌های غیر طبیعی به دنیا آمده بودند، به عنوان یک حق فردی مطرح می‌شود و اغلب خواستار برابری اقتصادی در حوزه حقوق شهروندی هستند. بنابراین مسأله برابری در کشور انگلیس میان شهروندان عادی

مادی و معنوی آنان است. از این جهت دستیابی به چنین هدفی در خانواده تک‌نفره و بدون شوهر دشوار است (۸). به علاوه اینکه بر عهده گرفتن سرپرستی اناث نیز در جامعه ما به دلیل مشکلات ناشی از تربیت دختران شرایط را پیچیده‌تر جلوه می‌دهد، همچنانکه تمایل به ازدواج را در نزد دختران مجرد کاهش می‌دهد، ضمن اینکه بهره‌مندی دختران بالای ۳۰ سال به پذیرش فرزند از این راه ممکن است پیدا کردن فرزند برای کسانی که نیاز واقعی به آن دارند، را با مشکلاتی رو به رو سازد، همچنانکه می‌تواند تمایل به ازدواج و فرزندآوری را نیز کم کرده و باعث بالا رفتن سن ازدواج نزد دختران شود، زیرا وقتی شرایط برای پذیرش فرزند و آن هم در شرایط مجردی فراهم است، تمایلات به سمت ازدواج از مسیر ترغیب‌داشتن فرزند نیز از بین می‌رود.

همانطور که ملاحظه می‌شود، دامنه مشمول ایرانیانی که می‌توانند درخواست سرپرستی کودک یا نوجوانی را بدهند، افزایش یافته و ایرانیان مقیم خارج از کشور را نیز دربر گرفته است، لیکن این حق به اتباع ایران اختصاص پیدا کرده است. محرومیت اتباع خارجی از سرپرستی اطفال ایرانی، ناشی از بی‌اعتمادی نسبت به آنان و عدم اطمینان از تأمین منافع مادی و معنوی کودک و نوجوان است (۸)، اما قانون جدید در رابطه با این موارد که آیا مرد یا زن ایرانی که همسر او از اتباع بیگانه باشد نیز می‌تواند اقدام به سرپرستی نمایند یا خیره مسکوت مانده است و شایسته بود قانونگذار در قانون جدید، نظر خود را در ارتباط با این موارد نیز مطرح می‌نمود. به نظر می‌رسد با توجه به حساسیت‌های مذهبی ناشی از پذیرش سرپرستی کودکان ایرانی از سوی اتباع خارجی، این موضوع حداقل می‌تواند مشمول مسلمانانی باشد که تبعه ایران هستند و قوانین داخلی، مذهب و عقاید جامعه اسلامی را مراعات می‌کنند.

سرپرستی از کودکان و اطفال یکی از مباحث حقوقی مهم است که هم حقوق و تکالیف پذیرندگان و هم وضعیت کودکان را مشخص می‌نماید. در قوانین انگلیس رویکرد جدیدی در این زمینه دنبال شد که بیشتر بر محوریت استقلال فردی و آزادی

رسیدن به سن بلوغ تأمین نمایند.» از طرف دیگر، از دست رفتن قدرت و استطاعت سرپرست برای تربیت و نگهداری طفل، در زمره موارد فسخ سرپرستی آمده بود (بند ۲ ماده ۱۶). علاوه بر این موارد ذکر شده را باید به ماده ۱۱ این قانون اضافه نمود که بیان می‌داشت: «وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.»

نتیجه‌گیری

در حقوق انگلیس، دیدگاه‌های مخالفان از منظر محافظه‌کاری مذهبی و سیاسی و همچنین تجاری‌شدن باروری مصنوعی بیان می‌شود. موافقان باروری مصنوعی در انگلیس بر «منافع عالیه کودک» تأکید می‌کنند که قابل تعمیم به کودکان متولدشدن از باروری مصنوعی نیز می‌باشد. از این حیث، قانون انگلیس در ارتباط با کودکان متولدشده از باروری مصنوعی، از چند جهت، پیشرو است: اول اینکه، حقوق کودکان متولدشده از باروری را همسان و همتراز با سایر افراد جامعه در نظر می‌گیرد و تبعیضی میان آنان و سایر افراد جامعه قائل نمی‌شود؛ دوم اینکه، سازوکارهای تعامل میان فرزندپذیران و کسانی که به شیوه‌های مختلف، از جمله در نقش مادر حامل، مردی که اسپرم خود را هدیه می‌کند و یا اینکه بنا بر نیاز اقدام به این کار می‌کند، میان افراد صورت می‌گیرد و نیازی به مراجعه به دادگاه و ثبت آنان وجود ندارد. دادگاه تنها در صورت عدم پایبندی طرفین به مفاد توافق ورود می‌کند و در سایر موارد، موضعی نسبت به طرفین ندارد.

از سوی دیگر، در قانون ایران، یکی از محورهای اصلی درباره کودکان متولدشده از باروری مصنوعی، بحث اصالت آنان و سپس حقوق ناشی از باروری مصنوعی است، به طوری که میان علما و حقوقدانان از جهات متعددی، از جمله انتساب کودک به مادری که فرزند را به دنیا می‌آورد و نقش حامل را بر عهده دارد و انتساب کودک به مادری که از تخمک وی برای بزرگ‌شدن کودک استفاده می‌شود. همچنین مادری که رحم خود را اجاره می‌دهد، اختلاف نظر وجود دارد. این

و کسانی که از راه باروری مصنوعی به دنیا می‌آیند، اعمال می‌شود (۱۳). این اهمیت به دلیل حاکم‌بودن فضای لیبرالی در این کشور است که حتی قوانینی نیز در این زمینه مورد تصریح قرار گرفته است، هرچند که در حقوق انگلیس نیز شرایط برابری برای افراد عادی و افرادی که از روش‌های باروری مصنوعی به دنیا می‌آیند، تدارک دیده شده است، اما در حقوق ایران که برگرفته از آموزه‌های دین اسلام است، نگرش‌های متفاوتی درباره وضعیت حقوقی فرزندان وجود دارد که به دلایل مختلف، از جمله باروری مصنوعی توسط خانواده و یا سرپرستانی دیگر پذیرفته می‌شوند. برخی با استناد به دیدگاه و سیره رسول گرامی اسلام (ص) چنین استدلال می‌کنند که فرزند ناشی از باروری مصنوعی همان حقوق افرادی را دارد که به صورت طبیعی در خانواده به دنیا می‌آیند، از جمله به این روایت استناد شده است که در داستان فرزندخواندگی زید توسط پیامبر اکرم (ص) نیز آمده است بعد از اینکه پدر زید نسبت به او خشم کرد و خطاب به جمع حاضر اعلام کرد که: «ای گروه قریش شاهد باشید که من از او بیزارم جستم و او دیگر پسر من نیست، رسول خدا (ص) به حاضران خطاب کرد که شاهد باشید زید پسر من است، از من ارث می‌برد و من از او ارث می‌برم» (۱۸). بنابراین برخی با استناد به این روایات و حتی تأکید قرآن کریم بر فرزندآوری بیشتر، بر برابری افراد عادی و افرادی که از روش‌های غیر طبیعی به دنیا می‌آیند، تأکید می‌کنند.

موضوع فوق‌الذکر در مباحث حقوقی پیش از انقلاب و حتی در مباحث حقوقی پس از انقلاب تحت عنوان «تمکن مالی» سرپرستان خانواده مطرح شده است. رویکرد مزبور به معنای بهره‌مندی پذیرندگان فرزندان از تمکن مالی مناسب و مطلوب است، از جمله در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳، یکی از شرایط واگذاری سرپرستی کودکان این بود که «زوجین یا یکی از آنها دارای امکان مالی باشند» (بند «و» ماده ۳)، علاوه بر این، ماده ۵ این قانون اعلام می‌داشت: «دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد نمود که درخواست‌کنندگان سرپرستی به کیفیت اطمینان‌بخشی در صورت فوت خود هزینه تربیت و نگهداری و تحصیل طفل را تا

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

اختلافات ناشی از نگرش متفاوتی است که نسبت به رحم زن وجود دارد. در دو نگرش کلی در فقه و حقوق ایران، در اولی، مادر و رحم زن حامل کودک به مثابه ظرفی نگریسته می‌شود که در صورت تولد کودک، مادر وی محسوب می‌شود؛ در نگرش دوم، به نقش مستقیم و غیر مستقیم تخمک زن اشاره می‌شود که در صورت انتساب تخمک به هر زنی، وی مادر کودک شناخته شده و مسؤول است. این اختلاف نظرهای فقهی، تبعات حقوقی قابل توجهی، از جمله در زمینه سرپرستی کودک، مادر بودن و... در پی دارد. همین چالش‌ها نیز درباره انتساب پدر نیز دیده می‌شود، اما در فقه و حقوق ایران، برخلاف قانون انگلیس که از طریق «ابوت توافقی»، مرد می‌تواند بدون ارتباط ژنتیکی و نسبی، پدر کودک شود، دیده نمی‌شود. این به معنای غلبه رویکرد انتسابی و خونی در تعیین پدر کودک است که می‌بایست رابطه‌ای نسبی و ژنتیکی با کودک داشته باشد. در غیر این صورت از مصادیق باروری مصنوعی خارج بوده و حتی ممکن است مشمول قواعد نامشروع بوده و فرد مرتکب نیز مستوجب مجازات تلقی شود. بنابراین رواج یافتن رویه خرید و فروش و تجاری کردن فرزندآوری مصنوعی مورد پذیرش فقه و حقوق اسلامی نیست.

مشارکت نویسندگان

سیروس نظری: نگارش متن مقاله.

علیرضا مظلوم رهنی: بررسی محتوای مطالب ارائه شده در مقاله و کنترل آنان.

وحید نکونام: رفع ایرادات داوران در خصوص مقاله و اصلاحات نهایی.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

References

1. Akhondi MM, Sadeghi A. The need to use reproductive techniques in human reproduction. In Book: New methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law. Tehran: Publisher Samt; 2000. p.34. [Persian]
2. Merghati T. Genealogy resulting from artificial insemination with the involvement of an alien agent. Magazin Articles and Reviews. 2004; 75(3): 125-148. [Persian]
3. Tehrani MH. Population control is a severe blow to the body of Muslims. Qom: Allameh Tabatabai Publications; 2002. p.200. [Persian]
4. Mousavi Bojnoordi M. Role Jurisprudence. Qom: Publisher al-Hadi; 1997. p.5. [Persian]
5. Shahid Sani Z. Maslek-Alafham. Qom: Publisher Maaref al-Islamieh; 1992. p.239. [Arabia]
6. Movahed Abtahi M. Alternative Motherhood and Ways to Become a Mother a New Approach to Verses and Traditions, Alternative Uterus Collection. Tehran: Publisher Ibn Sina Research Institute; 2008. p.149. [Persian]
7. Katozian N. Civil Rights. Tehran: Publisher Mizan; 1996. p.32. [Persian]
8. Safaei H, Imami A. Brief Family Law. Tehran: Publisher Mizan; 2002. p.25. [Persian]
9. RaghebIsfahani A. Mofradat. Beirut: Publisher Daralsham; 2005. p.7. [Arabia]
10. Ghartabi MA. Jame al-Ahkam. Beirut: Publisher Daralehya al-Taras al-Arabia; 2004. p.121. [Arabia]
11. Margaret B, Golombok S, Campbell A. Surrogacy: review for the UK Health Ministers of current arrangements for payments and regulation. Human Reproduction Update. 1997; 3(6): 623-628. [Persian]
12. Mohseni E. Investigating Alternative Uterus in Comparative Law with Emphasis on French, Iranian, British and Greek Law. Quarterly Journal of Medical Law. 2020; 13(48): 111-136. [Persian]
13. Lewis J. Adoption: The Nature of Policy Shift in England and Wales, 1972-2002. International Journal of Law, Policy and the Family. 2004; 18(2): 235-255.
14. Welbourne P. Adoption and the Right of Children in the UK. The International Journal of Children's Rights. 2002; 10(2): 269-282.
15. Carbonier J. Droit Civil. Paris: Sorbonne University Press; 1999. p.213.
16. Rachel FS, Heenan JR. Finally fit for purpose? The Human Fertilization and Embryology Act 2008. Journal of Social Welfare and Family Law. 2010; 1(1): 275-286.
17. Malcolm KS. The Human Fertilisation and Embryology Act 2008. New Genetics and Society. 2013; 32(2): 154-170.
18. Qomi AI. Interpretation of Qomi. Qom: Publisher Daralketab Qom; 1990. p.72. [Arabia]